

مطالعه تطبیقی نگاره‌های کتاب سعادت و کتاب البلهان ابومعشر بلخی

علیرضا طاهری*

دانشیار، دانشکده هنر، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۱/۲۱، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۱۰/۱۲

چکیده

کتاب *مطالع السعاده* یا سعادت نسخه‌ای بسیار نفیس است که در دوران سلاطین ترک عثمانی نوشته و تصویرسازی شده است. این اثر به سفارش سلطان مراد سوم تهیه شده است. این کتاب شامل توضیحات و توصیفات از دوازده علایم صورفلکی به همراه مینیاتورها و نقاشی‌های بسیار عالی است. کتاب *البهان* ابومعشر بلخی را می‌توان از سرچشمه‌های اصلی کتاب سعادت دانست. کتاب *البهان* را برخی به کتاب عجایب ترجمه کرده‌اند، اما در واقع نوعی کتاب فالنامه و شامل بخش‌هایی همچون فال انبیا، فال مقبول و اختلاج است. در این کتاب برای کنترل تأثیر طلسم‌ها و مکان‌های سحرانگیز به انواع دیوها، اجنه، فرشتگان، پیامبران و جداول طلسمات پرداخته شده است. تصاویر کتاب سعادت در بسیاری از نگاره‌ها قابل تطبیق و مقایسه با کتاب *البهان* ابومعشر بلخی است. هدف این مقاله، بررسی میزان تأثیرپذیری نگاره‌های کتاب سعادت از تصویرسازی کتاب *البهان* است که با روش توصیفی-تطبیقی انجام شده است. نگاره‌های کتاب سعادت به لحاظ قدرت تصویرگری، طراحی، کادربندی، خلوص رنگ، رنگ‌پردازی و دقت در جزئیات بسیار قوی‌تر از نمونه الگوی خود است، هر چند نگارگر در ترکیب‌بندی‌ها سعی کرده است تا به تصاویر کتاب *البهان* نزدیک و وفادار بماند.

واژگان کلیدی

جن، دیو، فالنامه، کتاب *البهان*، کتاب سعادت، هنر عثمانی.

مقدمه

میلاادی سلطنت کرد. «مراد سوم در یکی از مدارس بزرگ مانیسا تحصیل کرد و زبان عربی و فارسی را نیز آموخت. وی حاکم مانیسا شد. سپس، در ۱۲ دسامبر ۱۵۷۴ میلادی به سلطنت رسید. سلطان مراد، علاقه وافری به هنرهای مربوط به کتاب و کتاب‌آرایی، به‌ویژه نسخ دست‌نویس مصور داشت. وی تعداد زیادی از این آثار را به کارگارش سفارش داد که *استاد عثمان نقاش* اداره می‌کرد؛ استاد نقاشی که نسخه خطی مصوری را نیز به مناسبت جشن ختنه‌سوران پسر مراد ساخته و پرداخته کرده بود» (Singh, 2002, 78).

در زمان سلطنت مراد، برخی زنان حرمسرا مانند مهرماه سلطان، نوربانو سلطان، صفیه سلطان و عصمت بانو در سیاست‌های دربار عثمانی نفوذ پیدا کردند. «در دوره سلطنت مراد سوم، سپاهیان مسلمان در شمال آفریقا پیشروی کردند. جنگ با ایران صفوی در دوره سلطنت مراد سوم تداوم یافت. سپاهیان سلطان مراد پیشروی خود را از طریق اردهان آغاز کردند و با تسخیر آخیسکا و تغلیس پایان دادند. مراد سوم در استانبول درگذشت و در همان شهر دفن شد» (شاهو، ۱۳۷۰، ۸۹). به‌نظر می‌رسد سلطان مراد سوم کاملاً در زندگی سیاسی، فرهنگی و احساساتی‌گری زنانۀ خود غرق شده بود. وی ۱۰۳ اولاد داشت که تنها ۴۷ نفر از آن‌ها زنده ماندند. او که نسخه‌های خطی مصور را دوست می‌داشت، به‌طور ویژه دستور تدوین و انجام کتاب *سعادت* را برای دخترش فاطمه داد.

در شروع کتاب و پس از فهرست، درباره فاطمه، دختر سلطان، این‌گونه نوشته شده است: «برسم خزانه صاحب السعاده و الاقبال و مالکت العز و الاجلال دره تاج شاهی غزه جیهه پادشاهی نوباه باغ عزت و رفعت خلافت نهال گلزار سلطنت سرو بوستان ایالت زینت خاندان آل عثمانی زیور دودمان جهانبانی ملکه معظمه مخدومه مفخمه نسل پاکیزه آل عثمان حضرت فاطمه سلطان خلد الله تعالی دولتها و ابد عزتها و سعلاتها الی یوم القیامه بحرمه النبی علیه الصلوه والسلام، آمین، بیت، بخت بادت همنشین و سعد بادت هم قرین عمر بادت بردوام و عز و دولت همچنین.»

تصویرسازی کتاب *سعادت* یکی از شاهکارهای هنر عثمانی است که در کارگاه دربار سلطان مراد سوم انجام گرفته است. برخی از نگاره‌های آن تحت تأثیر کتاب *البلهان* ابومعشر بلخی است. هدف این تحقیق، تطبیق نگاره‌های قابل قیاس، و بررسی و توصیف آن و در نهایت تعیین میزان و موضوعات تأثیرگذار است. درباره پیشینه باید گفت که در خصوص این دو کتاب، تحقیقات و توصیفات جسته‌وگریخته‌ای صورت گرفته است، از جمله دو مقاله از استفانو کاربونی و کاتالوگی از انتشارات مؤسسه مولیرو اسپانیا که فقط به تاریخ و توصیف کتاب پرداخته‌اند. در این مقاله علاوه بر تاریخ و محتویات این کتب به تطبیق نگاره‌هایی منتخب و توصیف آن اهتمام ورزیده‌ایم.

در نیمه دوم قرن شانزدهم میلادی، امپراتوری عثمانی بسیار وسیع و قدرت‌مند شده بود. سرزمین‌هایش از بوداپست مجارستان تا بغداد، از تونس تا مکه و مدینه در نزدیکی دریای سرخ گسترش یافته و شهرهای مهمی را دربر گرفته بود: دمشق، اسکندریه و قاهره. ترک‌های عثمانی تا دروازه‌های وین رسیدند و کنترل راه ابریشم، دریای سیاه و نیمه شرقی دریای مدیترانه را در دست گرفتند. سلطان به‌همراه دربار و حرمسرایش (که درهایش را به روی معماران، نقاشان، خطاطان، جواهرسازان، سفالگران، شاعران و جزآن گشوده بود)، سراسر امپراتوری خود را از شهر قسطنطنیه هدایت می‌کرد. سلاطینی همچون سلیمان اول یا نوه‌اش مراد سوم - که خوشگذران نیز بودند- از جمله پادشاهان بزرگ و استفاده‌کننده از هنر بودند. آن‌ها کارگاه‌های هنری سیرای سلطانی را توسعه دادند و هنر خاص عثمانی را خلق کردند و سعی کردند که خود را تا آنجا که بتوانند از تأثیرات هنر ایران قرن پانزدهم میلادی و قبل از آن درآوردند (که در این کار ناموفق بودند).

مراد سوم با پدربزرگ خود سلیمان اول تفاوت زیادی داشت و برخلاف وی، خود را از صحنه‌های جنگ دور نگه می‌داشت و بسیاری از مسئولیت‌های دولتی را به زنانش اعطا کرده بود؛ به‌همین دلیل سلطنت دوران وی را سلطنت بانوان می‌دانند. وی پسر سلطان سلیم دوم و نوربانو بود و از سال ۱۵۷۴ تا زمان مرگش در سال ۱۵۹۵

کتاب سعادت

قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم میلادی عصر بسیار پربراری برای نقاشی عثمانی بود، به‌خصوص عصر مراد سوم

دوره باروری شاهکارهایی همچون کتاب *سعادت* محمد ابن امیر حسن السعودی بود.

این نسخه گواه و شاهدی عالی از دنیای شرق عصر خود و مملو از شخصیت‌های اسرارآمیزی با حالات عجیب و غریب است و لباس‌هایی با رنگ‌های فاخر، کاخ‌های مجلل، بناهای لوکس، مساجد و جزآن نیز در آن دیده می‌شود. حیوانات غیربومی و خارجی بسیار است، همانند طاووس و مارهای دریایی، بدون احتساب پرنده‌گانی که طرح استیلیزه‌شده‌شان نشانی از تأثیرپذیری از هنر ایرانی دارد. به‌علاوه اینکه، بخشی از آن به هیولاهای دیوان و موجوداتی متعلق به تخیلات قرون وسطایی ترک‌ها اختصاص یافته است.

متون کتاب (همانند شیوه تصویرسازی و مینیاتورهای آن) دارای منابع و سرچشمه‌های مختلفی است، از جمله قرآن، کتاب هزار و یک‌شب، شاهنامه، عجایب‌نامه مارکوپولو، کتاب الموالید ابومعشر بلخی (البوماسر)، ستاره‌شناس ایرانی. با وجود این، تأثیرات دیگری نیز می‌توان بر آن برشمرد از جمله اسکندرنامه یا زندگی اسکندر کبیر که بر ادبیات عرب، ترک و فارسی تأثیر زیادی گذاشته بود.

دنیای شرقی در مینیاتورهای کتاب این‌گونه معرفی شده است: شخصیت‌های عجیب و غریب و اسرارآمیز با ظاهری غیرمتعارف، پوشش غیرمحملی و بومی با رنگ‌های خارق‌العاده؛ بناها و مساجدی با مناره‌هایی که مؤذنان روی آن مؤمنان را برای انجام فریضه نماز فرامی‌خوانند؛ و سوارکارانی با لباس‌های فاخر که روی اسبانی با زین و یراق‌های پوشیده از تزیینات عالی سوار شده‌اند. انبوهی از حیوانات غیربومی صفحه‌های کتاب را پر کرده است: طاووس‌های سلطنتی، مارهای دریایی فوق‌العاده، ماهی‌های غول‌پیکر، عقاب‌ها و پرنده‌گان شکاری، حواصیل و سایر پرنده‌گان. بخشی کامل از کتاب به جن‌های تخیلی ترک‌های قرون وسطا اختصاص یافته که پر از دیوهای تهدیدکننده و جانوران تخیلی است.

کتاب البهان

کتاب البهان را برخی به کتاب عجایب ترجمه کرده‌اند ولی در واقع نوعی کتاب فالنامه و شامل بخش‌هایی همچون فال انبیا، فال مقبول و اختلاج است. کتاب به زبان عربی نوشته شده و حاشیه‌نویسی‌های ریز و بسیار دارد. این کتاب در کتابخانه بودلیان دانشگاه آکسفورد نگهداری می‌شود. «نویسنده کتاب ابومعشر بلخی است که نام وی به‌وضوح در دومین سطر از مقدمه او بیشتر صفحات کتاب ذکر شده است. وی منجم، اخترشناس، ریاضیدان و فیلسوف بود. ابومعشر در بلخ متولد شد. سپس، در اوایل

کتاب مطالع السعاده یا سعادت اثر و نسخه‌ای نفیس است که در دوران عثمانی ترکیه نوشته و تصویرسازی شده است. سلطان مراد سوم بهترین شاعران، منجمان، جغرافیدانان، دانشمندان، به‌ویژه هنرمندان و نگارگران را از همه‌جا جمع کرده و مورد حمایت خود قرار داده بود. افراد مشهور و برجسته دنیای هنر و علوم آن زمان رغبت زیادی به ماندن در دربار عثمانی و کار در کارگاه‌های آن داشتند و در آنجا موقعیت والایی پیدا کردند.

«این کتاب شامل توضیحات و توصیفات از دوازده علایم صورتفلکی به‌همراه مینیاتورها و نقاشی‌های بسیار عالی است. کتاب سعادت به زبان عربی ترجمه شده بود و همه مینیاتورهای آن به‌نظر می‌آید که تحت نظارت و هدایت استاد عثمانی انجام شده است. وی از سال ۱۵۷۰ میلادی استاد نقاشان کارگاه سرای سلطانی بود و شیوه وی بر روی سایر هنرمندان دربار تأثیر گذاشته بود، به‌ویژه پرتره‌های ظریف و دقیق وی» (www.moleiro.com).

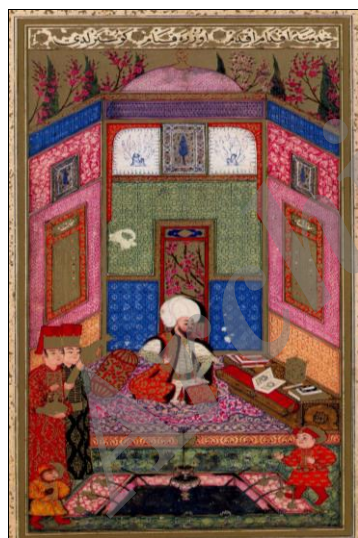
جالب توجه این است که متن کتاب به زبان پارسی، عربی و ترکی است و به فواصل در بین هم به‌کار برده شده است. این بدان معناست که نویسنده به هر سه زبان مسلط بوده است، بنابراین خواننده آن نیز که معمولاً سلطان و دختر وی (یا سایر اهالی حرم) بوده‌اند می‌بایستی این زبان‌ها را بلد بوده باشند.

این اثر که اکنون در کتابخانه ملی فرانسه در پاریس (ضمیمه الحاقی ترک ۲۴۲) نگهداری می‌شود. همچون بسیاری از آثار مختلف دیگر به‌دلیل علاقه وافر ناپلئون بناپارت به آثار هنری فاخر و عالی و توسط وی به فرانسه آورده شده است. «مشخصات کتاب بدین شرح است: تاریخ اثر ۱۵۸۲ میلادی، اندازه ۳۱ x ۲۱ سانتی‌متر، ۲۸۶ صفحه و ۷۱ نگاره نقاشی‌شده با استفاده از طلا. این کتاب را گاسپار مونژ (۱۷۴۶-۱۸۱۸ میلادی)، زمین‌نگار مشهور و کنت پلوز، از قاهره به پاریس آورد و در کتابخانه به نام ناپلئون بناپارت جای گرفت» (www.moleiro.com).

کتاب سعادت حاوی توصیفات جزیی از شخصیت و صفات شخصی بومی هر یک از دوازده نشان منطقه البروج است. برخی نقاشی‌ها موقعیت‌های متفاوت موجودات انسانی بر اساس ارتباط گیاهان، تطابق فیزیکی و حالات چهره را نشان می‌دهند و بقیه نقاشی‌ها به تفسیر صحیح خواب‌ها می‌پردازند. همچنین، نوشته‌ای از پیشگویی اسرارآمیز نیز دیده می‌شود که هر کس بر اساس آن می‌تواند طالع و آینده‌اش را پیش‌بینی کند.

از اولین صفحه نوشتاری) ۳۵۲ صفحه است. این اثر برای نخستین بار در اواخر قرن چهاردهم و اوایل قرن پانزدهم میلادی مصور شد. در این کتاب به انواع دیوها، اجنه، فرشتگان، پیامبران، طلسم‌ها، ارقام و جداول طلسمات برای کنترل تأثیر طلسم‌ها و مکان‌های سحرانگیز و افسانه‌ها پرداخته شده، ضمن اینکه تصاویری از موجودات عجیب‌الخلقه نیز در آن دیده می‌شود. برای به تصویر کشیدن پیامبران ابراهیمی و اسلامی در مکانی مرتبط با ستاره‌شناسی و شرح طالع ستارگان و پیامبران، سعی شده تا توجیه مذهبی برای طالع‌بینی و پیشگویی داده شود. در کتاب *البهتان* «هفت پادشاه جنیان» تصویر شده که هر کدام متعلق به یک روز هفته است.

تصویر ابومعشر بلخی در برگه‌ای از کتاب *البهتان* در حال آزمایش ابزار نجومی دیده می‌شود (تصویر ۱). در برگه‌ای مصور از کتاب *سعادت* نیز سفارش‌دهنده آن، یعنی سلطان مراد سوم، چهارزانو در مرکز توجه و نقاشی، روی نقش مرکزی فرشی در اتاق نشسته و حالت پادشاهان یا شاهنشاهان را به خود گرفته است (تصویر ۲).

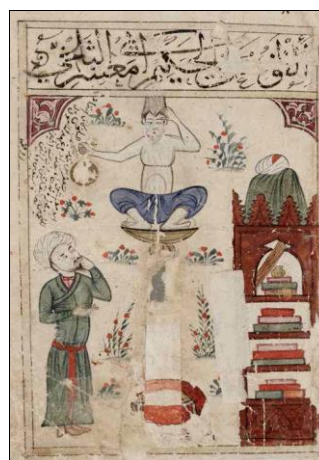


تصویر ۲. سلطان مراد در حال نگاه کردن به کتاب *سعادت*. کتاب *سعادت*، کتابخانه ملی فرانسه، برگه شماره 7۷. مأخذ: www.bnf.fr

که دارای لوله‌ای تنگ و در برآمده‌ای است. دو فرد کوتوله در کنار حوض مرکزی- با فواره‌ای در وسط و شش فرم حیوان‌مانند طلایی‌رنگ در اطرافش- در حال سرگرم کردن سلطان هستند. ولی آنچه توجه را در این نقاشی به‌خود جلب می‌کند، وضعیت قرار گرفتن سر مراد سوم و چیزهایی است که روی میز سمت راست قرار دارد. سلطان در حال

قرن نهم میلادی / سوم هجری قمری به دربار عباسیان در بغداد رفت. متن کپی‌شده کتاب *البهتان*- که در مقدمه آن نیز ذکر شده- کتاب *الموالید* است؛ رساله‌ای در اخترشناسی و نجوم اثر ابومعشر که مباحث طالع‌بینی مرد و زن را مطرح می‌کند. خطاط و خوشنویسی که متون نسخ را کپی کرده، عبدالحسن بن علی بن الحسن اصفهانی متولد بغداد است. خانواده وی اصالتاً اصفهانی بود» (Carboni, 1991, 24).

در این نسخه اطلاعات مفید دیگری نیز داده شده است: «این کتاب مبارک از دست الاربیل به حیدر ابن الحاجی عبدالکریم بن محمد... در ماه شعبان ۸۱۲ هجری قمری داده شده، و برای شیخ الدیا حسین الاربیل نوشته شده است. دو نسخه کپی ترکی از کتاب *البهتان* در ترکیه عثمانی، سال ۱۵۸۲ میلادی انجام شد: یکی برای عایشه سلطان و دیگری برای فاطمه سلطان، دو دختر سلطان مراد سوم» (Carboni, 1991, 24). البته، در صفحه آخر کتاب، تاریخ «شهر رمضان المعظم سنه ۸۳۹ هجری» زمان پایان کتاب ذکر شده است. تعداد صفحه‌های کتاب



تصویر ۱. ابومعشر بلخی در حال آزمایش ابزار نجومی. نسخه مصور کتاب *البهتان*، اواخر قرن چهاردهم میلادی، کتابخانه بودلیان، دانشگاه آکسفورد. مأخذ: (Carboni, 1991, 24)

لباس سلطان بسیار مجلل و فاخر است. عبایی بدون آستین بر تن و عمامه‌ای بزرگ، نماد سلاطین عثمانی قرن شانزدهم میلادی، بر سر دارد. در بیرون اتاق و در پایین سمت چپ، دو پیشکار ایستاده‌اند. یکی از آن‌ها شمشیر سلطنتی را در دست دارد که در نیام پارچه‌ای است، و دیگری ظرف کوزه‌مانند کروی‌شکل طلایی در بغل گرفته

تصویر قوچ، گوسپند سپیدی است که از نیمرخ نشان داده شده است. یکی از سم‌هایش روی خط پایین دایره مدالیون قرار گرفته در حالی که دو پای دیگر جلویی به هوا بلند شده است و حالت پورتمه رفتنش در وضعیتی بی‌تردید مشتق از نمایش اخترشناسانه بسیار مشابه منطقه البروج گوسپند را تداعی می‌کند. در اینجا، قوچ حیوانی رام و مهار شده دارای پوشش زین، دهنه، افسار و گردنبندی با زنگوله است.

سیاره‌ای که علامت قوچ دارد سیاره ماریس یا مریخ است و با سوارکاری دارای سیل مشخص می‌شود که همیشه شمشیری در دست راست و گاهی سر بریده‌ای نیز در دست چپ دارد. تجهیزات نظامی مریخ در اینجا به شمشیر کاهش یافته است. غلاف شمشیر و کلاهخود بلندش احتمالاً از کلاه‌های سربازان عثمانی الهام گرفته شده است. باقیمانده پوشش‌اش ساده است: پیراهنی با آستین‌های بلند، نیم‌تنه‌ای با آستین‌های کوتاه روی آن که دارای نقوش تزئینی است، شلوار گشاد، کمر بند و چکمه‌ها. سیارات ثانوی یا زیر قمر که در اینجا مشارکت دارند از راست به چپ این‌هاست: ماریس یا مریخ چهارزانو نشسته با شیء گرزمانند در دست، کلاه بوقی نوک‌تیز بر سر و عبای بلندی بر تن؛ خورشید، انسانی نشسته با دیدی از روبه‌رو، با سری دارای شعاع‌های نور احاطه شده است؛ سیاره ونوس، زنی نشسته در حال نواختن عود. همه آن‌ها روی پس‌زمینه آسمانی به رنگ آبی تیره و مزین به ستاره‌های طلایی تصویر شده است. این تصویرسازی به لحاظ ترکیب‌بندی، ساختار و طرح شخصیت‌ها بسیار مشابه نسخه *البهان* است (تصویر ۳). در اینجا فقط تغییراتی در تزئینات لباس‌ها و رنگ‌آمیزی قوچ دیده می‌شود، ولی سایر عناصر مشابه را داراست.

۲. سد یاجوج و ماجوج

یکی از برگه‌های هر دو کتاب با عنوان دیوار یاجوج و ماجوج تصویرسازی شده است (تصویر ۴). در داستان زندگی اسکندر، به افسانه جستجوی «سرچشمه حیات» زیاد پرداخته شده است. یکی از نگاره‌ها، افسانه ساختن سد عظیم آهنین برای دور نگه داشتن قوم وحشی یاجوج و ماجوج از دنیای متمدن را به تصویر درآورده است. داستان قوم یاجوج و ماجوج در قرآن نیز وجود دارد. در داستان آفرینش ماجوج یکی از پسران یافث است. در داستان آپوکالیپس^۲، «قوم یاجوج و ماجوج را شیطان بزرگ تسخیر می‌کند و به جنگ انسانیت می‌راند» (Apocalypse, 1946, 20).

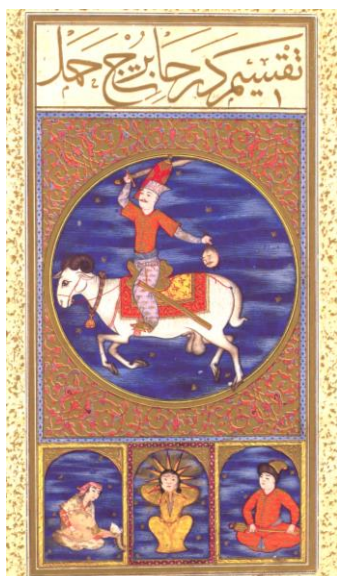
اندیشیدن و مراقبه، مجذوب، قدردان و آشکارا رضایت‌مند نشان داده شده است. کتابی که احتمالاً همین کتاب سعادت است به صورت باز روی میز و کشوی باز شده آن قرار گرفته است. روی دو صفحه آن به وضوح دو تصویر از علائم صور فلکی دیده می‌شود. در طرفین آن کتاب‌های دیگری نیز دیده می‌شود که نشان از علاقه‌مندی سلطان به کتاب و تمایل ادبی‌اش است. روی میز جعبه‌ای بلند و طلایی‌رنگ نیز وجود دارد که در آن احتمالاً یکی از ساعت‌ها یا مکانیسم‌های مهندسی است که پادشاهی عثمانی علاقه خاصی به آن داشت و اغلب همانند هدیه از سفارتخانه‌های اروپایی در استانبول دریافت می‌کرده است.

نگاره‌های تطبیقی

تعداد نگاره‌های دارای کیفیت مقایسه و تطبیق در دو کتاب قابل توجه است، ولی به دلیل محدودیت نوشتاری مقاله فقط به چند نمونه از نگاره‌ها می‌پردازیم که در آن موجودات تخیلی نیز تصویر شده است.

۱. برج فلکی قوچ

در نگاره‌های مختلف کتاب سعادت که به منطقه البروج اختصاص داده شده، معمولاً هر یک از دوازده نشان بروج فلکی همچون کتاب *البهان* ابومعشر بلخی در مدالیونی دایره‌ای شکل نشان داده شده است، به نحوی که به نظر می‌رسد از داخل تلسکوپ در آسمانی پرستاره و شبانه نگریسته شده است. آسمان آبی چنان ظاهر شده که انگار با ابرهای کوچک سفیدی احاطه و با ستارگان طلایی نیز تزئین شده است. دایره با نشان بروج فلکی در وسط هر ترکیب‌بندی و در قاب‌بندی چهارگوشی قرار دارد که مزین به رنگ طلایی است و به همراه رنگ‌های دیگری دیده می‌شود که تزئینات غنی انحنایی، گل‌ها و برگ‌های شیوه خاص عثمانی را تشکیل می‌دهد. این تزئینات از قابی به قاب دیگر تفاوت دارد، حتی اگر نقش‌مایه‌های آن مشابه و تکرار شده باشد. کادر یا قاب با شکل چهارگوشی در بالا مزین شده که در آن عنوان موضوع و تصویر با خطی طلایی به شیوه محقق نوشته شده است. عنوان کادربندی شده در برخی از نگاره‌های کتاب سعادت با این کلمات شروع می‌شود: «تصویر نشان برج فلکی...» که در ادامه جمله نام برجی فلکی گذاشته شده است (تصویر ۳). در پایین ترکیب‌بندی قاب چهارگوشی دیده می‌شود که به سه بخش مساوی دارای طاقی هلالی تقسیم شده و در داخل آن سیارات مرتبط با سه علامت بروج فلکی قرار دارد.



تصویر ۳. سمت چپ، تصویر برج فلکی قوج، نشان منطقه البروج، شماره ۴۸، (www.bnf.fr). سمت راست، برج فلکی قوج، کتاب البلهان، کتاب عجایب، کتابخانه بودلیان، دانشگاه آکسفورد، (bodleian.ox.ac.uk)



تصویر ۴. سمت چپ، سد یا دیواره یاجوج و ماجوج، ازدها-مار غول پیکر و مردمان یاجوج و ماجوج، کتاب سعادت، شماره ۷۶r، (www.bnf.fr). سمت راست، دیوار اسکندر، سد یاجوج و ماجوج، نسخه مصور کتاب البلهان، اواخر قرن چهاردهم م. / هشتم هق، کتابخانه بودلیان، دانشگاه آکسفورد، شماره ۳۸r، (bodleian.ox.ac.uk)

۴۵۹). یاحقی درباره این قوم چنین می‌گوید: «این قوم در دنیا فساد می‌کردند و چون ذوالقرنین به دیار آن‌ها رسید، مردم از ظلم یاجوج و ماجوج به او پناه بردند و از او یاری خواستند که اینان دیار ما را منهدم می‌کنند و کشت ما را می‌خورند و چارپایان ما را می‌درند. ذوالقرنین تعداد و مشخصات آن‌ها را پرسید. گفتند تعدادشان بی‌شمار است

قزوینی در کتاب *عجایب المخلوقات* و در بخش پایانی کتابش به نام «خاتمه کتاب فی حیوانات عجیبه الاشکال»، در معرفی و شرح «یاجوج و ماجوج» می‌نویسد: «ایشان قومی‌اند که عددشان را جز خداوند نداند و یکی از ایشان بسیاری بزاید و معاش ایشان موجودات دریایی است که آب آن‌ها را به کنار زده است» (قزوینی، ۱۳۴۰، ۴۵۸-۴۵۹).

سوارکار در حال نواختن اسباب موسیقی هستند: تنبور و سرنایی بلند و کشیده، نواختن موزیک با صدای بلند در مقابل دیوار برای این بوده که در زمان عقب‌نشینی ارتش اسکندر، قوم یاجوج و ماجوج تصور کنند آن‌ها هنوز در پشت دیوار و سد هستند و از دیوار محافظت می‌کنند. این وضعیت با اختلافاتی در پس‌زمینه و برخی جزئیات نظیر اندازه سرنای در هر دو نگاره نمایش داده شده است.

۳. سندباد و پیرمرد دریا

نگاره‌ای دیگر در هر دو کتاب یکی از شاهکارهای بسیار مشهور ادبی را تصویر کرده است: *داستان هزار و یک‌شب*، که بیشتر بر اساس داستان‌های روایی و شفاهی تدوین یافته است. یکی از داستان‌های *سندباد بحری*، ملاقات وی با پیرمردی در جزیره‌ای پرت و دورافتاده را شرح می‌دهد.

سندباد برای کمک به پیرمردی که غرق شده بود وی را بر پشت خود حمل می‌کند، ولی پیرمرد دریا پاهایش را به دور بدن سندباد می‌پیچد و دیگر پیاده نمی‌شود و به وی دستور می‌دهد تا به قلعه کوه برود و هر بار که سندباد مخالفت می‌کند، فشار پاهایش را بیشتر می‌کند. سرانجام سندباد درخت تاکی را می‌بیند و چند انگور از آن می‌چیند و در معرض آفتاب قرار می‌دهد و آن را به پیرمرد می‌دهد تا مست و قدرت پاهایش کم شود. سند باد جرأت پیدا می‌کند و پیرمرد را از پشت خود به زمین می‌اندازد و با سنگی به هلاکت می‌رساند.

پیرمرد دریا در این داستان یادآور موجودی به نام دوالپا و احتمالاً تحت تأثیر آن است (تصویر ۶). در فرهنگ معین آمده است: «دوال در لغت به معنای تسمه چرمی است که با آن طبل و کوس نوازند؛ تازبان‌های چرمین که به معنای حيله و مکر است و دوالپا هم به معنای کسی که دارای پاهای باریک و دراز مانند دوال باشد. مرد باریک‌ساق و شل. مردمی هستند که در بیابان‌ها و جنگل‌ها زیست می‌کنند و دارای پاهای دراز و باریک مانند دوال و تسمه چرمین‌اند و خود را شل وانمود می‌کنند و مسافران را وادار می‌سازند که ایشان را بر پشت خود حمل کنند. بدین صورت پاهای خود را به دور گردن آن بیچارگان می‌پیچند و اگر موافق میلشان حرکت نکنند آنان را خفه می‌سازند؛ به غول بیابانی هم مشهورند» (معین، ۱۱۱۳، ۱۳۸۴). در *عجایب‌نامه* آمده است: «طایفه‌ای هستند که روی ایشان به روی آدمی ماند و دست‌های سگان دارند و شکم آدمی و دنبالی دراز، چون ماری. نیمه بالا به آدمی ماند، نیمه زیرین به مار ماند؛ بجهد و دنبال به میان مرد پیچد و بیفشارد و حلق وی بگیرد» (همدانی، ۱۳۷۵: ۲۲۳).

و موجوداتی کوتاه‌اند و پهن‌صورت‌اند که نیش‌های آنان مانند درندگان است و به‌جای ناخن منقار دارند و بر پشت آن‌ها پوست و دم بزرگ دارند و مثل کبوتر یکدیگر را فرامی‌خوانند و همانند سگ عوعو می‌کنند. بنا به روایت قرآن (کهف: ۹۴) مردمان از ذوالقرنین خواستند که میان آنان و قوم یاجوج و ماجوج سد استوار کند و ذوالقرنین به فرمان خداوند از پاره‌های آهن میان دو کوه، استوار بیست و سدی احداث کرد...» (یاحقی، ۱۳۸۶، ۹۰۲). «در بعضی از متون، نجات مردم از شر یاجوج و ماجوج را به اسکندر نسبت داده‌اند که چون اسکندر رو به مشرق کرد به سرزمینی رسید که مردم آن از دست قوم یاجوج و ماجوج به ستوه آمده بودند. این موجودات نموداری کامل از موجودات ترکیبی و رفتارها و خصوصیات موجودات شگفت‌انگیز را داشتند» (رستگار فسایی، ۱۳۸۳، ۴۶۸).

رنگ‌پردازی این نگاره در کتاب *سعادت* (تصویر ۴) بسیار زنده‌تر و شاداب‌تر از نگاره کتاب *البلهان* است. دید هنرمند از داخل دیواره به بیرون است. دیوار آهنین با روکشی از برنز مذاب پوشیده شده تا حالتی لغزنده و لیز به آن بدهد و بالارفتن از آن را ناممکن سازد. دیوار همچون سدی از آجر به رنگ بنفش روشن نقاشی و در بالا به‌صورت پله‌ای ترسیم شده است. عظمت و اندازه بسیار بزرگ دیوار را می‌توان با اندازه بسیار کوچک ساکنان سرزمین یاجوج و ماجوج سنجید. تفاوت اندازه پیکره‌ها اختلاف بین جهان متمدن و وحشی را تشدید می‌کند. چهار نفر از آن‌ها سوار بر مار غول‌پیکری شده‌اند که به‌ظاهر اژدهایی دهشتناک است و رام سواران و در واقع این قوم است. هفت نفر دیگر سعی می‌کنند تا از دیوار بالا روند. رفتار وحشی‌گونه آن‌ها این نکته را آشکار می‌کند که باید آن‌ها را دور نگه‌داشت.

در نگاره مربوط به کتاب *البلهان*، دیوار با قطعات بزرگ‌تر پوشیده شده و اندام و هیكل مردمان یاجوج و ماجوج بزرگ‌تر تصویر شده است، ضمن اینکه شکل اژدها-مار بزرگ نیز هراس‌آورتر و به‌لحاظ ظاهر، به‌ویژه در سر، نیز متفاوت است (تصویر ۴). این اژدهایی واقعی است که از بدن او اضافات دیگری نیز خارج شده است که به‌لحاظ روانی سیوعیت او را تشدید می‌کند. دیواره سد کوتاه‌تر و عناصر گیاهی در بالای تصویر نیز متفاوت است.

در بالای دیوار، دنیای متمدن نشان داده شده است. در نگاره کتاب *سعادت* در قسمت بالایی نقاشی، منظره صخره‌ای و کوهستانی با درختی بزرگ در مرکز و آسمانی به رنگ طلایی دیده می‌شود. در سمت راست و چپ، دو

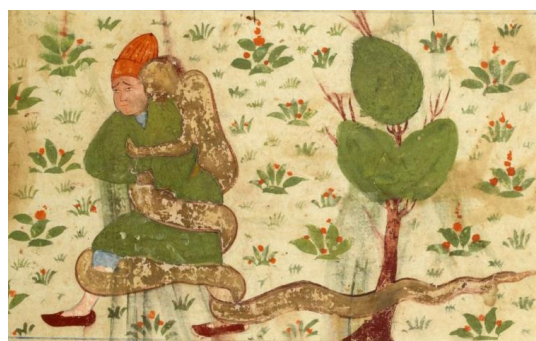
(تصویر ۶). این موجود دارای دو شاخ نوک‌تیز هلالی شکل روی سر نیز است. در نقاشی نسخه کتاب سعادت اثری از درخت انگور و شراب به چشم نمی‌خورد که در آخر داستان شرح داده شده است. صحنه در میان منظره‌ای تصویر شده که در پلان جلو، ماهی بزرگی سر و دم خود را از آب بیرون آورده و در پلان عقب خانه‌ای روی تپه‌ای نمایان است. در واقع، این نگاره صحنه‌ای را نشان می‌دهد که بلافاصله پسندباد پیرمرد را از دریا نجات داده و بر پشتش نشانیده است، در صورتی که در نسخه کتاب *البهتان* تصویر به متن داستان بسیار نزدیک و وفادار است؛ پسندباد و پیرمرد در زیر درخت بزرگ انگور و در کنار سبزی پر از انگور نشان داده شده‌اند.

همچنین، آمده که دوالپا در هیئت مرد سالخورده‌ای است که به کنار راه می‌نشیند «و از رهگذران می‌خواهد که او را بر دوش گیرند، آن‌گاه پاهایش به‌درازی سه‌گز و همانند مار از شکمش سر بیرون می‌کشد و گرد کمر رهگذر می‌پیچد و رهگذر باید کمر به خدمت وی ببندد و تنها با مست کردن او می‌تواند از بند بگریزد. دوالپا همان پیرمرد دریا است که در پنجمین سفر پسندباد بحری سر راه پسندباد قرار می‌گیرد» (کریستن‌سن، ۱۳۵۵، ۱۲۸).

در هر دو نگاره (تصویر ۵)، پیرمرد دریا همانند ماهی‌ای با سر و بازوان انسانی و بدون پا نشان داده شده است، در حالی که در متن داستان پسندباد، دارای پاهایی است که به دور بدن پسندباد پیچیده است (همانند دوالپا



تصویر ۵. سمت چپ، پسندباد و پیرمرد دریا، کتاب سعادت، شماره ۷۹ v (www.bnf.fr). سمت راست، پسندباد و پیرمرد دریا، نسخه مصور کتاب *البهتان*، اواخر قرن چهاردهم م. / هشتم ه.ق.، کتابخانه بودلیان، دانشگاه آکسفورد، شماره 43r (bodleian.ox.ac.uk)



تصویر ۶. دوالپا با پاهای مارگونه، *عجایب‌المخلوقات* احمد طوسی سلمانی، نسخه مکمل فارسی، ربیع الاول ۷۹۰ هجری قمری / مارس ۱۳۸۸ میلادی، کتابخانه ملی فرانسه، پاریس. (www.bnf.fr)

نسخهٔ *البهان* ساده و خالی است و فقط با چند گیاه پراکنده پر شده است (تصویر ۷). چهرهٔ هر دو مرد کُشنده اژدها بدون هیچ احساسی تصویر شده است. آن‌ها عمامه‌ای بر سر دارند که قسمتی از آن به دور گردنشان پیچیده شده است و ظاهری بیشتر همچون مردمان قبیله‌نشین دارند (البته، ظاهر مرد نسخهٔ کتاب *سعادت* به طبقهٔ بالای اجتماعی یا سرداران لشکری نیز نزدیک است).

۵. تلسیمان یا طلسم تب‌آور

هوما نام جن «تلسیمان» یا «طلسم تب‌آور» است که به معنی «آن است که بدن انسان را داغ می‌کند» یا نگهبان تب. در واقع، هوما جنی است که مشهورترین علت بیماری‌هاست و تلسیمان را دایم ملاقات می‌کند. تصویر جن تب‌آور اغلب همانند دیوی است با سه سر و شمایی است که احتمالاً از داستان «وصیت سلیمان» برگرفته شده که در آن به دیوی سه‌سر، تولد فرزندان کور، کر و صرعی اشاره شده است.

۴. شترسوار در حال کشتن مار

عنوان نگارهٔ دیگری از این مجموعه «شترسوار در حال کشتن مار» است، مردی که به ماری کمک می‌کند، سپس آن را می‌کشد (تصویر ۷). به نام این مرد و منبع داستان اشاره‌ای نشده است. ولی فضای صحنه و شیوهٔ کشتن مار غول‌پیکر، داستان «سن ژرژ و اژدها» و شمایل‌های آن را تداعی می‌کند. در نگارهٔ کتاب *سعادت*، مرد شترسواری با نیزه‌ای بسیار ظریف و باریک مار عظیم‌الجثهٔ اژدهاگونه‌ای را از پای درمی‌آورد، همانند سن ژرژ که در شمایل‌نگاری مسیحی، به‌ویژه مسیحیت شرقی، اژدها را می‌کشد (تصویر ۷)؛ یا اژدهاکشتن رستم و اسفندیار قهرمانان پارسی *شاهنامه*. نیزهٔ مرد در کتاب *البهان* کمی قطورتر است و به‌صورت کاملاً عمودی در کنار بدن اژدها فرود آمده است، به‌طوری که به‌نظر می‌رسد در بدن وی فرونرفته است. اژدها در زیر پاهای شتر لگدمال شده است. در پس‌زمینهٔ نسخهٔ کتاب *سعادت* در پلان جلو جوی آبی وجود دارد و منظره‌ای با صخره‌های بلند و درختی بزرگ در پشت و روی زمینهٔ آسمانی به رنگ طلایی تخت کشیده شده است. پس‌زمینهٔ



تصویر ۷. سمت چپ، نبرد سن ژرژ و اژدها، قرن پانزدهم میلادی، شمایل اوکراین، کی‌یف، موزهٔ هنر اوکراین. وسط، شترسوار در حال کشتن اژدها-مار، کتاب *سعادت*، شمارهٔ 83v، (www.bnf.fr). سمت راست، شترسوار در حال کشتن اژدها-مار با نیزه، کتاب *البهان*، کتابخانهٔ بودلیان، دانشگاه آکسفورد، (bodleian.ox.ac.uk)

روبه‌رو و بالای دو سر دیگر قرار دارد با شاخ‌ها، گوش‌ها و دندان‌های نیش بزرگ تیز. حالت هوما عادی نیست، با پاهای باز و زانوان خم‌شده، همچنین بازوهای باز. مانند این است که می‌خواهد بیننده را در آغوش گیرد. همین موضوع در آغوش‌گیری است که وی را از سایر جن‌ها متمایز و مشخص

در نگارهٔ مربوط به کتاب *سعادت* (تصویر ۸)، دو سر از آن‌ها مشابه هم هستند: سری شبیه اسب (به‌لحاظ گوش و بال)، دارای دندان‌های نیش سگ‌سان، در حال بیرون‌دادن دود از دهان، یکی به چپ و دیگری به راست نگاه می‌کند. سومین سر دارای ظاهری شیطانی‌تر است و در مرکز، از دید

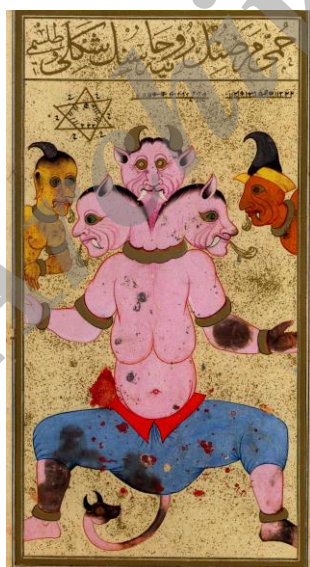
کابوس قرار گرفته است (تصویر ۹). در نگاره کتاب سعادت چهره وی با دو شاخ قوچمانند و دندان‌های نیش زیاده از حد بزرگ که از دهان بیرون زده، خود کابوس‌وار است. بدنی ماهیچه‌ای و عضلانی دارد. شلوار کوتاه صورتی رنگ به پا دارد. دو بال بزرگ نارنجی متمایل به قرمز متصل به بخش بالایی خاکستری رنگ، با نواری طلایی به کتف‌ها متصل شده است. دو جن دیگر که فقط سرهایشان دیده می‌شود در صحنه حضور دارند: یکی با بدنی به رنگ صورتی در بالای تصویر و دیگری زرد مایل به خاکستری در پایین. در اینجا طلسم و دعا به صورت نوشته دیده نمی‌شود، بلکه به شکل رمزگونه‌ای در گوشه چپ بالا و راست پایین تصویر شده است.

این کابوس در نسخه *البهتان* نحیف و لاغر است. بدنی قهوه‌ای رنگ با بال‌های آبی روشن مایل به خاکستری دارد. فرم و وضعیت ظاهری بدنش با نگاره مشابهش یکسان است. جن کابوس روی شخص به خواب رفته با دست فشار می‌آورد و او را وادار به دیدن کابوس می‌کند (تصویر ۹). سه جن دیگر که فقط سرهایشان در قاب تصویر است با چهره‌ای متفاوت دیده می‌شوند. فضای پس‌زمینه در اینجا، برعکس فضای خالی نگاره کتاب سعادت، پر شده است.

می‌کند. دم نیز حالت و شکل عجیبی دارد. دمی تقریباً ظریف که به سر حیوانی شاخ‌دار ختم می‌شود. این شکل از دم معمولاً در بین جن‌ها و دیوان رواج دارد. در طرفین هوما، دو جن همکار دیگر ترسیم شده که هر دو دارای یک شاخ در وسط سر هستند، ولی جن سمت راست کلاهی بر سر دارد که شاخش از میان آن بیرون زده است. سر آن‌ها بسیار نزدیک سر هوماست و با نگاهی خیره به وی می‌نگرند. شلوارک هوما به رنگ آبی آسمانی است که در بالا فرم کمربندی‌شکل قرمز رنگی آن را روی شکم نگاه داشته است. این جن شبیه جن نسخه *البهتان* است، با این تفاوت که دو سر کناری در این نسخه شبیه گربه‌سانان (و تا حدودی آدمیان) است، دارای بدنی خاکستری رنگ، شلوارکی به رنگ صورتی رنگ‌پریده، فاقد بازوبند و مچ بند و دم دو شاخه منتهی به دو سر جانوری دارد. دیوان همکار نیز به رنگ خاکستری نشان داده شده است. دیو سمت راست دارای دو شاخ است. نوشته‌های دعا در هر دو نقاشی و نشان ستاره شش‌پر نیز تقریباً شبیه هم است.

۶. دیو یا جن کابوس

جن کابوس از نژاد کسانی است که برای انسان امراض می‌آورد. او معمولاً با پوست خاکستری رنگش در پس‌زمینه انسان به خواب رفته‌ای تصویر شده که تحت تأثیر و فشار



تصویر ۸. سمت چپ، تلسیمان یا طلسم تب آور، کتاب سعادت، کتابخانه ملی فرانسه، ضمیمه الحاقی ترک ۲۴۲، شماره ۹۰r

(www.bnf.fr). سمت راست، نسخه مصور کتاب *البهتان*، اواخر قرن چهاردهم م. / هشتم هق.، کتابخانه بودلیان، دانشگاه آکسفورد (bodleian.ox.ac.uk)



تصویر ۹. سمت چپ، دیو کابوس، کتاب سعادت، کتابخانه ملی فرانسه، ضمیمه الحاقی تُرک ۲۴۲، شماره ۸۶، (www.bnf.fr). سمت راست، دیو کابوس، نسخه مصور کتاب البلهان، اواخر قرن چهاردهم م. / هشتم هق، ۱۶۰×۲۵۴ میلی‌متر، آبرنگ روی کاغذ، کتابخانه بودلیان، دانشگاه آکسفورد، شماره 28r (bodleian.ox.ac.uk)

ابلیس در قرآن از نوع جن شناخته شده است (قرآن، ۱۸:۵۰). ابلیس از فرشتگان مقرب بود و به دلیل اینکه در برابر دستور خداوند به کرنش در مقابل آدم، طغیان کرد (قرآن، ۳۴:۲) از پیش خداوند رانده شد (قرآن، ۳۸:۷۵ و ۱۵:۳۴). ابلیس از خداوند درخواست کرد که تا روز قیامت به او مهلت دهد (۳۶:۱۵) و خداوند به او مهلت داد (۳۸:۱۵). ابلیس قسم یاد کرد که همه آدمیان مگر بندگان مخلصش را گمراه کند (۸۲:۳۸).

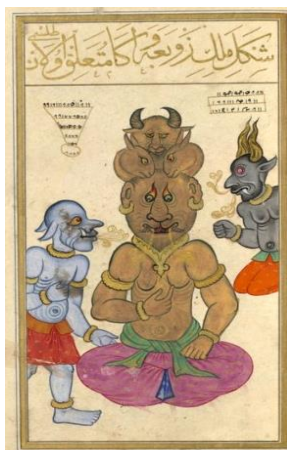
۷. جن زوبعه

«ابوحسن زویاح یا الابيض (ابا النور الابيض زوبعه)، پادشاه زوبعه ارباب روز جمعه، سیاره ونوس یا زهره سبز رنگ، فلز آهن بوده است که توسط فرشته عنیائیل کنترل و مراقبت می‌شود» (genies.wikia.com). در نسخه کتاب سعادت این جن پوستی به رنگ زرد اکر دارد و دارای چهار سر است (تصویر ۱۰). دو سر از نیمرخ نشان داده شده است که روی سر بزرگ اصلی قرار گرفته‌اند. سر اصلی دارای دماغی پهن و کوتاه و دو چشم کاملاً گرد سبز رنگ است که از بالای آن شعله‌های آتش بیرون جسته است. سر بالایی با دو شاخ گاو مشخص شده است. دیو به حالت پادشاهان و چهارزانو نشسته است. نیم‌تنه بالایی وی برهنه است، ولی شلواری (تنبان) بنفش رنگ به پا دارد که بالای آن شالی سبزرنگ بسته شده است. در طرفین او دو دیو دیگر دیده می‌شود: یکی با پوستی به رنگ خاکستری روشن و دیگری با پوستی به رنگ خاکستری تیره و دو شاخ بزرگ شعله‌سان بر سر. در دور میچ

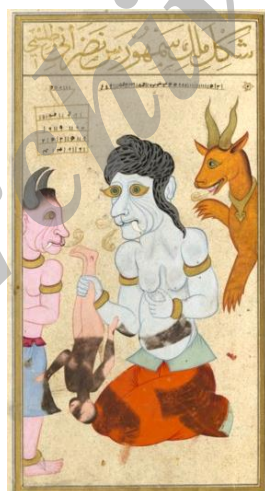
جن و دیو در کتب روایی، مذهبی و اساطیری توصیف شده‌اند. برخی ستاره‌شناسان آن‌ها را به قلمرو این علم و جغرافیا نیز وارد کرده‌اند. ابومعشر بلخی «ستاره‌شناس پارسی، زمین را به هفت اقلیم و ناحیه آب‌وهوایی تقسیم کرده بود» (Cumont, 1909, 263). این نواحی هر کدام بر اساس شباهت‌های هرمتیک و کاملاً مشخص با سیاره‌ای حمایت و پشتیبانی می‌شد. اولین ناحیه و منطقه به ساتورن محول شده بود، کشور سیاهان، سرزمین هند، سند و سرزمین‌های شرقی و سرزمین‌هایی با نژاد هیولایی. روزهای هفته نیز هر کدام به یک جن یا دیو تعلق داشت. «دو موجود نماد و تجسم زشتی [شر] و نقصان هستند: جن و دیو. جن‌ها از قسمت‌های سوزان و داغ آتش، و پیش از خلقت انسان، آفریده شده‌اند [و جنیان را از رخشنده شعله آتش خلق کردیم» (قرآن، ۱۴:۵۵)؛ برخی از آن‌ها سر به شورش و طغیان گذاشته و در مقابل پروردگار سرکشی کردند، خداوند آن‌ها را محبوس کرد و مجازاتشان نمود و به روی زمین فرستاد، جایی که ظاهر حیوانی و نژاد هیولایی به خود گرفتند» (Abshishi, 1981, 122). جنیان هم به صورت آشکار و هم ناپیدا زندگی می‌کنند. در قرآن از آن به کرات یاد شده است، هفتاد و دومین سوره قرآن به نام «الجن» است. هنگام آفرینش آدم، ابلیس یکی از سرکردگان و رؤسای جنیان در برابر آدم سجده و کرنش نکرد. بنابراین، ملعون و از بهشت رانده شد و زشت‌روی شد. نسل‌های بعد از وی نیز به سیرت و صورت هیولایی رجعت پیدا کردند.

یک سر بزرگ روی همه آنها قرار دارد (تصویر ۱۰). جن‌های همکار در این نگاره چهار نفرند که دو تای آن در سمت راست زانو زده‌اند و در سمت چپ یک جن کوچک‌جثه بر گرده جنی با سر الاغ سوار شده است. ترکیب‌بندی مشابه در نگاره‌ها قابل توجه است.

و بازوی وی می‌چیند و بازویندهای حلقه‌ای وجود دارد. دو طلسم نوشته در بالا و طرفین تصویر دیده می‌شود که کاربرد دعا و استمداد روحی را دارد. زوبعه یکی از نه جنی است که گوش به فرمان حضرت محمد (ص) اند. در نگاره *البهتان* رنگ بدن جن قهوه‌ای رنگ است و همچون نگاره مشابه‌اش، دو سر (شبهه الاغ) به صورت قرینه روبه‌رو در بالای سر اصلی و



تصویر ۱۰. سمت چپ، شکل جن زوبعه، کتاب *سعادت*، کتابخانه ملی فرانسه، ضمیمه الحاقی تُرک ۲۴۲، شماره ۸۵. (www.bnf.fr).
سمت راست، شکل دیو زوبعه، کتاب *البهتان*، اواخر قرن هشتم ه.ق. / چهاردهم م.، کتابخانه بودلیان، دانشگاه آکسفورد، ضمیمه الحاقی ۱۳۳. (bodleian.ox.ac.uk).



تصویر ۱۱. سمت چپ، شکل جن شمه‌ورس نصرانی یا سمهورس، کتاب *سعادت*، کتابخانه ملی فرانسه، ضمیمه الحاقی تُرک ۲۴۲، شماره ۸۹. (www.bnf.fr). سمت راست، شکل شمه‌ورس نصرانی، شاه‌دیو پنجشنبه، کتاب *البهتان*، اواخر قرن هشتم ه.ق. / چهاردهم م.، کتابخانه بودلیان، دانشگاه آکسفورد، ضمیمه الحاقی ۱۳۳، 32v. (bodleian.ox.ac.uk).

مراقبت می‌شود. گفته می‌شود پس از ظهور حضرت محمد (ص) وی به دین اسلام درآمده است. وی به سلطان سیاه یا سلطان الخال نیز معروف است. در برخی از مناطق اطراف کشور مراکش به‌عنوان قدیس مورد احترام و ستایش است»

۸. جن شمه‌ورس یا سمهورس

شمهورش یا شاماروش (ابا الولید شمه‌ورس) «پادشاه ژوپیتر یا سیاره مشتری، روز پنجشنبه است. رنگ وی ارغوانی و فلز منسوب به وی قلع است و توسط فرشته صرفیابیل کنترل و

وی سری هیولایی و هولناک، ریش نوک تیز، دندان‌های عاجی‌شکل، چشمان کروی سبزرنگ، گوش‌های بز و شاخ‌های گاو دارد. مطابق شیوه ترسیمی سایر جن‌ها در این کتاب، جثه جن میمون نیز عضلانی و قوی نقاشی شده است. بدن نیمه‌برهنه انسانی که به صورت خوابیده در دستانش قرار دارد شاید تأکیدی بر قدرت ربایش انسان توسط اوست. اعتقاد بر این است که میمون ابانوح ۷۰۰۰ سال عمر دارد.

میمون کتاب *البلهان* بیشتر به فرم حیوانی نزدیک است: موهای سر، گوش‌های بلند آویزان، موهای روی بدن، پوزه حیوانی و جزآن (تصویر ۱۲). در این تصویر نیز سرهای کوچک جنیان در حاشیه داخلی کادر دیده می‌شود. بال‌های جن میمون بلندتر و بزرگ‌تر است، ولی به لحاظ رنگی با رنگ زمینه هم‌رنگ است.

۱۰. بَرَقان ابوالعجایب، ملک‌الاسود و طلا

پادشاه مرکوری یا عطارد «روز چهارشنبه است. رنگ او آبی و فلزش برنج است. وی ارباب قلعه طلاست و پنج تپه سنگر یا قلعه تحت حکومت وی بود که در هر یک از آن‌ها پانصد هزار از ماردین وجود داشت؛ او و قبیلش آتش را پرستش می‌کردند. وی توسط فرشته میکائیل کنترل و مراقبت می‌شد. این دیو همچنین به نام «پادشاه سیاه» (الملك‌الاسود) نیز شناخته می‌شود» (genies.wikia.com). ماردین (یا طغیانگر) از نیروهای مورد علاقه و وفادار به ابلیس و از قوی‌ترین انواع جنیان است، حتی اگر تعدادشان کم باشد. ماردین متکبر و مغرور و از لحاظ جسمی قدرتمند، آگاه و بسیار بد و شرور است.

ملک اسود با سری بزرگ‌تر از حد معمول، شاخ‌های کلفت کوتاه، حلقه چشمان گل‌مانند مسطح، حلقه‌ای بر گوش، دندان نیش بزرگ رو به پایین، در حالی که روی زانو سرپا نشسته دیده می‌شود (تصویر ۱۳). روبه‌روی او جنی با سر پرنده، بدنی طلایی رنگ، بال‌های دو تکی قرمز و آبی، چهارزانو نشسته است. به دور گردنش ماری پیچیده که سرش در دست جن قرار دارد. در پایین او نیز جن دیگری نشسته است. ملک اسود در نسخه *البلهان* تیره رنگ‌تر و لاغرتر است، ولی ظاهر او و جن طلا و جن نشسته الگوی کامل نگاره کتاب *سعادت* است. در اینجا جن ایستاده دیگری نیز دیده می‌شود.

(genies.wikia.com). لقب وی این نکته را مشخص می‌کند که وی نصرانی است و در برخی منابع کسی است که به «ابوالموالد» یا «پدر فرزندان» شناخته شده است. احتمالاً به همین دلیل است که معمولاً با کودکی برهنه در دستش که معلق در هوا و سرش به طرف زمین است (همچون نوزاد تازه به دنیا آمده) نشان داده شده است (تصویر ۱۱). نماد طلسم و دعا‌های وی پیچیده و شکلی شش‌ضلعی (هگزگون) است، «مهر انگشتر سلیمان» (خاتم سلیمانی) که از دو مثلث، یکی به سمت بالا و دیگری به سمت پایین تشکیل شده است: نماد عالم کامل و متعالی متشکل از بالا و پایین. ملک سَمهورس نصرانی در نگاره کتاب *سعادت* با بدنی سفید رنگ، بازوبند و میچ‌بند و شلوارکی به رنگ نارنجی، روی دوزانو نشسته و پاهای کودکی را به صورت معلق در هوا نگه داشته است. از دهان او دود آتش در حال خارج شدن است. عمامه‌ای شبیه به بدن مار پیچیده به خود بر سر دارد و دو جن همکار به او می‌نگرند. شمهورس نصرانی در کتاب *البلهان* نیز به همین حالت تصویر شده با این تفاوت که فاقد بازوبند و میچ‌بند است (تصویر ۱۱). رنگ ارغوانی بدنش به توصیفاتی که از او شده نزدیک است. چهار دیو دیگر در حال نگریستن به صحنه هستند. علامات طلسم و دعا نیز در هر دو نگاره وجود دارد.

۹. ابو نوح میمون

در خصوص جن میمون می‌گویند: «میمون پادشاه سیاره ساتورن یا زحل، و مطابق نظر بسیاری، روز یکشنبه است. رنگ وی سیاه، فلزش طلاست و توسط فرشته کسفیاتیل (روفایاییل) کنترل و مراقبت می‌شود. این تنها پادشاه دیوان دارای بال است و در حقیقت به‌مثابه «میمون ابرها» (میمون الشبایی) توصیف شده است. وی در بین عامه به عنوان جن قدیس شناخته شده است و به نام سیدی میمون نامیده می‌شود» (genies.wikia.com).

در نگاره کتاب *سعادت* ملک میمون در میان ابرهای موج‌ملم از نقاشی‌های چینی کشیده شده است و بازوبند، میچ‌بند و گردن‌بندی همچون دیو زوبعه دارد (تصویر ۱۲). دیوی که در زیر بدن و در میان دستانش دیده می‌شود همانند او دارای بدنی ماهیچه‌ای و عضلانی است. بال‌های گشوده‌اش تقریباً بزرگ و دوتکه است: قسمت پایینی طلایی‌رنگ و قسمت بالایی با پره‌هایی به رنگ نارنجی مایل به قرمز تداعی‌کننده شعله‌های آتشین.



تصویر ۱۲. سمت چپ، شکل جن میمون، کتاب سعادت، کتابخانه ملی فرانسه، ضمیمه الحاقی تُرک ۲۴۲، شماره ۸۵v (www.bnf.fr). سمت راست، شکل جن میمون، کتاب البلهان، اواخر قرن هشتم ه.ق. / چهاردهم م.، کتابخانه بودلیان، دانشگاه آکسفورد، ضمیمه الحاقی ۱۳۳ (bodleian.ox.ac.uk).



تصویر ۱۳. سمت چپ، شکل جن اسود و طلا، کتاب سعادت، کتابخانه ملی فرانسه، ضمیمه الحاقی تُرک ۲۴۲، شماره ۸۷ (www.bnf.fr). سمت راست، شکل جن الاسود و طلا، کتاب البلهان، اواخر قرن هشتم ه.ق. / چهاردهم م.، کتابخانه بودلیان، دانشگاه آکسفورد، ضمیمه الحاقی ۱۳۳ (bodleian.ox.ac.uk).

نتیجه

دقت در جزئیات بسیار قوی‌تر از نمونه الگوی خود است، هر چند که نگارگر در ترکیب‌بندی و چینش سعی کرده تا به تصاویر کتاب البلهان نزدیک و وفادار بماند. نکته حائز اهمیت دیگر این است که تصویرگر نسخه کتاب البلهان به توصیفات متن وفادارتر بوده و سعی کرده است تا حد ممکن آن را رعایت کند، در حالی که در برخی از نگاره‌های کتاب سعادت این موضوع کمتر رعایت شده است. به علاوه، با توجه به اینکه در کارگاه‌های سیرای سلطانی نسخ خطی مصور گوناگونی از سایر کشورهای مسیحی نیز وجود داشته است (که ممکن است هدیه سفر یا به سلطان عثمانی پیشکش شده باشد)، می‌توان تأثیر تصویرسازی و شمایل‌نگاری مسیحی شرقی را نیز بر آن ملاحظه کرد.

در دوره عثمانیان، علاقه وافر سلاطین (هرچند متظاهرانه) به علم و هنر، علما و هنرمندان باعث شده بود که کارگاه‌های آنان فعال و از آثار ارزشمند غنی شود. از سوی دیگر، سبب انتقال علوم و هنر از شرق، به‌ویژه ایران، به حوزه امپراتوری عثمانی، سپس به غرب شد. کتاب البلهان را می‌توان یکی از نسخ خطی تأثیرگذار بر کتاب‌نگاران و کارگاه‌های هنری دربار عثمانی دانست. دو نسخه کپی از کتاب البلهان ابومعشر بلخی در دربار سلطان مراد سوم برای دو دختر وی انجام شده است، که با توجه به نزدیکی اکثر نوشته‌ها، توصیفات و موضوعات کتاب سعادت حسن السعودی به آن، می‌توان گفت که کتاب البلهان و تصاویر آن تأثیر مستقیمی بر نگارگری کتاب سعادت داشته است. نگاره‌های کتاب سعادت به لحاظ قدرت تصویرگری، طراحی، کادربندی، خلوص رنگ، رنگ‌پردازی و

پی‌نوشت‌ها

۱. ابومعشر بلخی (۱۶۶-۲۶۴ هجری خورشیدی)، ریاضیدان، فیلسوف و ستاره‌شناس نامی ایران است. نام او در منابع قدیم و جدید غربی ابومسر یا ابومسر آمده است. وی در زمانه خویش مشهورترین ستاره‌شناس جهان اسلام بود. او در دوران خلافت المعتز بالله خلیفه عباسی تا معتمد عباسی رئیس منجتم بغداد بود. در آثار غربی بیش از هر اخترشناسی از وی نام برده شده است. اعتقاد به تأثیر ستارگان بر سرنوشت و آینده انسان‌ها از قرن نهم میلادی نزد مسلمانان رواج داشت. بسیاری از آثار وی به لاتین ترجمه شده و نزد علمای اروپایی قرون وسطا شناخته شده بود (سارتون، ۱۳۸۳، ۱۵۶).

۲. آپوکالیپس، *Apocalypse de Saint Jean*: آخرین کتاب فقهی عهد جدید و تألیف سن ژان (Saint Jean) به سال ۹۶ میلادی. آپوکالیپس‌ها آشکارکننده‌های معانی و مفاهیم و اسرار مستور در زیر حوادث و تاریخ آینده شناخته شده‌اند. آپوکالیپس سن‌ژان یادآور حوادث معاصر زمان ژان همانند تصلیب مسیحیان در زمان امپراتور دمیتیان (Domitien) بود و از پیروزی نهایی مسیح و داوری اخروی خداوند در مقابل نیروهای شر خبر می‌دهد (Crubb, 1997, 45).

منابع

قرآن کریم.
سارتون، جورج (۱۳۸۳)، *مقدمه‌ای بر تاریخ علم*، ترجمه غلامحسین صدری افشار، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
معین، محمد (۱۳۸۴)، *فرهنگ فارسی*، نامن، تهران.
همدانی، محمدبن محمود (۱۳۷۵)، *عجایب‌نامه*، *عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات*، ویرایش جعفر مدرس صادقی، مرکز، تهران.
یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*، فرهنگ معاصر، تهران.
Abshishi, Muhammad Ibn Ahmad Ibn Mansur Baha al-din abu al-Fath (1981), *Démons et Merveilles*, trad. G. Rat. Draeger, Paris.
Carboni, Stefano (1991), The 'Book of Surprises' (Kitab al-bulhan) of the Bodleian Library, *La Trobe Journal*, No. 48, pp. 22-34.
Cumont, F. (1909), *La plus ancienne géographe astrologique*, Klio, IX, Paris.
Singh, Nagendra K. (2002), *International encyclopedia of Islamic dynasties*, Anmol Publications PVT. LTD, Delhi.
www.bnf.fr
bodleian.ox.ac.uk
www.moleiro.com
genies.wikia.com

۱. ابومعشر بلخی (۱۶۶-۲۶۴ هجری خورشیدی)، ریاضیدان، فیلسوف و ستاره‌شناس نامی ایران است. نام او در منابع قدیم و جدید غربی ابومسر یا ابومسر آمده است. وی در زمانه خویش مشهورترین ستاره‌شناس جهان اسلام بود. او در دوران خلافت المعتز بالله خلیفه عباسی تا معتمد عباسی رئیس منجتم بغداد بود. در آثار غربی بیش از هر اخترشناسی از وی نام برده شده است. اعتقاد به تأثیر ستارگان بر سرنوشت و آینده انسان‌ها از قرن نهم میلادی نزد مسلمانان رواج داشت. بسیاری از آثار وی به لاتین ترجمه شده و نزد علمای اروپایی قرون وسطا شناخته شده بود (سارتون، ۱۳۸۳، ۱۵۶).

۲. آپوکالیپس، *Apocalypse de Saint Jean*: آخرین کتاب فقهی عهد جدید و تألیف سن ژان (Saint Jean) به سال ۹۶ میلادی. آپوکالیپس‌ها آشکارکننده‌های معانی و مفاهیم و اسرار مستور در زیر حوادث و تاریخ آینده شناخته شده‌اند. آپوکالیپس سن‌ژان یادآور حوادث معاصر زمان ژان همانند تصلیب مسیحیان در زمان امپراتور دمیتیان (Domitien) بود و از پیروزی نهایی مسیح و داوری اخروی خداوند در مقابل نیروهای شر خبر می‌دهد (Crubb, 1997, 45).

منابع

قرآن کریم.
سارتون، جورج (۱۳۸۳)، *مقدمه‌ای بر تاریخ علم*، ترجمه غلامحسین صدری افشار، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.